

تشریح دیگر، اما تو در اینجا آیین را تشریح نمی کنی، در آیین شرکت می کنی، تو اگر در آیین شرکت نکنی اصلاً آیین رخ نمی دهد، اگر نماز را برگزار نکنی اصلاً نماز اتفاق نمی افتد. آیین نگاری محصول شرکت در آیین است، اما شناسایی مردم محصول دوران ظهور استعمار است. آنها برای این که مردمی را که با هدف سیطره به آنها نگاه می کردند خوب بشناسند، شروع به مردم شناسی می کردند، البته بعداً موضوع از مفهوم استعمار جدا شد و خود تبدیل به علم شد. با نگاه مردم شناسی نمی شود به سمت ساخت یک اثر آیینی رفت، مردم شناسی گزارش است اما تو نمی توانی آیین را گزارش کنی. گزارش آیین ضد آیین است، آیین زدایی است، تو نمی توانی از آیین فیلم گزارشی بسازی.

دوربین چیست؟

دوربین ابزار شناخت نیست، اصلاً ابزار نیست، او جانشین فیلم ساز است، جانشین من بودن با ابزار من بودن فرق دارد، قلم ابزار نوشتن است، جانشین نوشتن نیست، نوشته جانشین نویسنده است، نه قلم، ولی دوربین در واقع خود نوشته است. اگر بگویم دوربین ابزار من برای دیدن است از آن تعریفی اشتباه کرده ایم، اگر من در آیینی شرکت می کنم یعنی دوربین من در آن آیین شرکت می کند، اگر دوربین در این آیین شرکت نکند یعنی آیین را نفهمیده ایم، اگر تصاویری هم بگیریم، تصاویر بی ربط به خود آیین است. آن تصاویر نوعی تحریف آیین است. دوربینی که در آیین شرکت نمی کند و از آیین فیلم می گیرد، فقط ناظر یک عملکرد است، فقط ارزش اسنادی دارد و از این حیث اعتبار دارد، اما از نظر آیینی اعتباری ندارد. بر آن صفحه آیین نوشته نشده است، وقتی که می روی فیلمی می سازی که می خواهی آیینی باشد، باید فیلمت آیینی باشد، نه این که فقط از آیین گفته باشی، فیلم آیین ساختن فرق دارد با از آیین گفتن، نماز خواندن با از نماز خواندن فرق دارد. دوربین برخلاف کلام این خاصیت را دارد که عین خود شمایل قضیه است. سخن در آیین شرکت نمی کند، اما دوربین در آیین شرکت می کند.

عبور و صعود

دوربین به خوبی قادر است مفهوم عبور را در آیین ببیند و نمایش دهد، اگر دوربین در آیین شرکت نکند و فقط تصویری از آیین ببیند، تصویر تنها حامل یک سری حرکات است. دوربین اگر آیین را فهمیده باشد و همگام با آیین پیش برود، عبور نه تنها دیده می شود که حس می شود. در غیر این صورت تصویری جامد و مرده ارائه می شود که حامل مفهوم آیین های ما - که عین زندگی است - نیست. آیین های ما آیین های تولیدی است. آیین های ولادت، آیین های احیا، آیین های زندگی، حتی در آیین های کشاورزی، تغییر فصل ها، تولد، و تشریف را دارد.

ما وقتی نماز می خوانیم زنده می شویم، در نماز از مرگ به زندگی می رویم. وقتی در حضور خداوند هستی احساس وجود می کنی، احساس زندگی، از ظلمات به نور می روی. نماز آیینی برای عبور است، عبور از مرگ به زندگی، از ظلمات به نور. دوربین تو باید به سمت نور برود، باید عبور کند. این رسم روبه روی باین سوژه است، همان حالات انسان شرکت جسته در آیین که دچار بی خویشی شده را باید واجد شوی. نمی شود حواست به فیلمت و به دوربینت باشد، خودت با دوربینت باید در آیین شرکت کنی، تمام حواست باید معطوف به شرکت در آیین باشد. باید مشرف به آیین شوی و تنها با شرکت در آیین می توانی تشریف خودت را - همانند یک خودنگاری - نقل کنی. حالا دوربین تو که جانشین توست حضور و تشریف تو در آیین را روایت می کند. خودت نمی گویی، جانشین تو که دوربین است می گوید. سیدها با بستن شال سبز بر کمر مشرف می شوند، آنها نمی گویند که سید هستند، شال سبز آنها با ما از تشریف آنها به مقام سیدی سخن می گوید. تصویر تو باید تشریف تو را بگوید و احساس شود که این تصویر متشرف به آیین است. تصویر تو باید تصویری متشرف باشد. بالا رفته باشد، مانند بخار، که از آب بالاتر می رود. بخار همان آب است، اما بالا رفته است، سردش کنی دوباره آب می شود. اما چون تغییر کرده بالا می رود، عبور می کند، متصاعد می شود، صعود می کند، به تصعید می رسد و استعلا پیدا می کند. از دانی به عالی می رسد. تصویر هم اگر در خودش متعالی نشود بالا نرفته است و متعالی نشده است.

متعالی در تمامی لحظات و در تمام ابعاد، نمی شود یک لحظه عالی بود و یک لحظه دانی... این شرط تصویر بی دربی آیین مند است. وجوه و ابعاد دیگر هم رعایت هایی دارد، تصویری که شلخته است، با استعلا و تشریف و ورود به یک آستان فاصله دارد... این عبورها آداب دارد، آن دوربین که جانشین است نمی تواند بی رعایت آداب تشریف، مشرف شود و همه اینها از تمسک می آید، تمسک است که تو را و دوربینت را دارای لیاقت می کند و هویت پیدا می کند، آیین هویت ماست. ناخودآگاه قومی مان را برمی انگیزاند و ما را به گذشته وصل می کند و ما را برای آینده آماده می کند؛ برای ادامه زندگی. هویت که داشته باشی، فیلمت هم آیینی می شود. این حقیقت فرهنگ است که اصلاً در کلام هم معنای استعلا و تشریف می دهد. وقتی می خواهی فیلمی آیینی / فرهنگی بسازی، شرط ادب و آیین را باید به جابیاوری.

ک

گفتاری پیرامون

مناسک و آیین ها در سینمای مستند

آیین نگاری محصول شرکت در آیین است

محمد رضا اصلانی

تشریف

آیین ها و مناسک و سایلی هستند برای تشریف. تو با تشریف و مشرف شدن در واقع می خواهی یک مرحله را طی کنی و به مرحله جدیدی برسی. این آیین می تواند نماز باشد، روزه باشد و یا آیین ها و مناسک عزاداری امام حسین (ع) و یا حتی آیین های عبور از کودکی به بلوغ و رسیدن به مرحله ازدواج. نقطه مشترک تمام اینها مفهوم تشریف و ورود است، عبور از یک مرحله و ورد به مرحله ای جدید. اما آیینی مثل نماز آیین تشریف و ورود به حضور خداوند است. با آیین های تشریف شما پیش از ورود به قضیه خود آگاه می شوید، در نماز به این موضوع خود آگاه می شوید که تو بالغ شده ای و می توانی در حضور خداوند قرار بگیری و حالا شایسته تشریف هستی. مثل آیین های ازدواج، وقتی که تو از آیین های ازدواج عبور می کنی، نشان شایستگی برای ورود به نهاد مقدس خانواده را داری و شرایط تشریف به آن محیط و ساحت را داری. با آیین ها و عبور از آنها برای تشریف و ورود تو تعهدت بیشتر و دارای خود آگاهی می شوی. این آیین های ورود در معماری هم هست، تو در بدو ورود به خانه وارد هشتی می شدی. سپس از دالان و از فضاهای سر بسته می گذری و تازه به حیاط و فضای باز می رسی. این آیین ها در بهداشت و سلامت هم هست، در حمام و بعد از پایان شست و شو و ورود به محیطی دیگر تو پاشویه را انجام می دهی. در مدرنیزم هم هست، کارگر سر ساعت فلان باید حاضر شود، لباسش را عوض کند و یک سری کارهای دیگر، حتی عملکرد او هم باید آیین داشته باشد. این آیین ها در وجه دیگر وظیفه تنظیم دارند. حالا اگر آیین را نفهمی و باور نکنی نگاه تو دیگر نقد و خود شناسی نیست، مردم شناسانه است.

مسئله و وجه دیگر در تشریف نقد خویش است، تو عمل تشریف را نقد نمی کنی، تو خودت را به نقد می گذاری. به خودت می گویی کودک بودن چه تفاوتی با بالغ بودن دارد. در نماز هم خودت را نقد می کنی؛ من گناهان بسیار کرده ام و حالا یک لحظه می خواهم گناهکار نباشم. در حج هم همین طور است؛ آیینی برگزار است که هدفش تطهیر خود و شناخت خداست. جمله معروف حضرت علی (ع) یک جمله آیینی است. «هر کسی خودش را شناخت خدای خودش را هم خواهد شناخت.» حضور مناسک و آداب به معنی حذف نقد نیست، در واقع با اینها نقد خود تازه آغاز می شود و تو که آیین را پذیرفته ای می توانی معنی تشریف را بفهمی. اما مردم نگاری این نیست. مردم نگاری تشریح و شناسایی خود آیین است، مثل هر چیز قابل